

عمومی، اصطلاح جدیدی در نظام حقوقی ایران نیست. در سال ۱۳۹۰ در قانون تشکیلات عدلیه و محاضر شرعیه، این قبیل اصطلاحات به کار رفته است. حقوق عامه با سایر مفاهیم نظیر منافع و مصالح عمومی هم مرتبط است».

ایشان در پاسخ به این پرسش که چه لزومی به تعریف حقوق عامه وجود دارد، بیان داشت: «اینجانب با لزوم ارائه تعریف از حقوق عامه، همدل نیستم. "کارل پوپر" نقد جدی بر تعاریفی که در منطق صوری وجود دارد، وارد کرده است. از نظر وی، تعریف کردن، از ضرباتی بوده که ارسطو به علم وارد کرده است. کتاب "جامعه باز و دشمنان آن" پوپر یک فصل را به این موضوع اختصاص داده است. از نظر وی تعریف کردن باعث درگیر شدن بی‌جهت شده و سرعت پیشرفت علم را عقب انداخته است. البته باید معیارهایی وجود داشته باشد که دادستان در آن حوزه ورود کند. برای ارائه راهکار به دادستانی، نیازمند ارائه تعریف منطقی نیستیم، بلکه نیازمند شناخت نظریه دولت هستیم. همچنین باید تفکیک قوا و ساختارهای حقوقی و سیاسی را به خوبی بشناسیم. بر اساس قواعد تفسیری رومی، یک کلمه در کل یک متن معنای واحدی دارد. همچنین هنگامی که دو کلمه کنار هم به کار می‌روند، دو معنای متفاوت دارند. ما نمی‌توانیم قواعد مذکور در خصوص الفاظ و عبارات به‌کاررفته در قانون اساسی ایران را صادق بدانیم. آیا گسترش آزادی‌های مشروع، وظیفه قوه قضائیه یا مسئولیت اجرای قانون اساسی و وظیفه رئیس‌جمهور است؟ در این وضعیت باید با توجه به اصل تفکیک قوا و سایر اصول و قواعد حقوق اساسی، قانون اساسی را تأویل کنیم؛ نه اینکه آن را تفسیر کنیم».

دکتر بهادری جهرمی با توجه به نقدهایی که به اظهارات ایشان در رابطه با عدم لزوم ارائه تعریف از حقوق عامه صورت گرفت به تبیین بیشتر نظر خود پرداخت و بیان داشت: «علم اجمالی نسبت به موضوع کفایت کرده، تلاش برای نیل به علم تفصیلی، وقت ما را تلف می‌کند. علم تفصیلی در صورتی نیاز است که بخواهیم به یکی از جزئیات امور وارد شویم. ادبیات فقهی ما هم مؤید این نظر است. برای مثال، در فقه، انفال و اموال عمومی تعریف نشده است؛ بلکه مصادیقی

۹۹ هم‌اکنون ترمینولوژی روشنی برای واژه حقوق عامه وجود ندارد. عبارتهای مختلفی که در قانون اساسی به کار رفته است، از جمله حقوق عمومی، حقوق عامه، حقوق فردی و اجتماعی، حقوق ملت و حقوق انسانی، دلالت روشنی ندارند. مفهوم حقوق عامه را باید در پرتو اصول حقوقی مربوط از جمله تفکیک قوا، تبیین کرد، در غیر این صورت، ممکن است به حقوق مردم یا سایر نهادها تعرض شود. ۶۶

از آن‌ها ذکر شده است. علما علم اجمالی را کافی می‌دانستند. البته علما در خلال بحث حکمی، وارد مصداق می‌شدند و بررسی می‌کردند که آیا آن مورد خاص، انفال هست یا خیر!»

دکتر توازنی زاده در نقد این نگاه که لزومی به ارائه تعریف از حقوق عامه نیست، بیان داشت: «در هر حال نقطه عزیمت در فهم مراد قانون‌گذار، متن قانون و توجه به معنای الفاظ به‌کاررفته در آن است. در این فرایند ناگزیر باید به تبیین و تعیین معنای الفاظ و عبارات مذکور در قانون پرداخت. از طرفی باید بین رویکرد حقوقی در تعیین معنا و مدلول متن قانونی با نگاه از منظر فلسفی به متن یادشده، در عین نوعی وابستگی بین این دو، تمایز قائل شویم. ادعا و نظریه پوپر در خصوص تعریف، ناظر به منطق ارسطویی است و جنبه فلسفی دارد. در تفسیر فلسفی از متن، آزادی عمل وجود دارد که در مقام تفسیر حقوقی، به‌ویژه قضایی از متن قوانین نمی‌توان به آن قائل و ملتزم شد. دستاوردهای فلسفی در حوزه زبان و مقوله تفسیر و فهم متن، البته می‌تواند در مقام تفسیر حقوقی متون قانونی نیز مورد توجه و استفاده قرار گیرد».

آقای محسنی‌اژه‌ای در اولین جلسه رسانه‌ای که داشتند، گفتند که حدود ۷۰ درصد سؤالات اصحاب رسانه از ایشان، مربوط به حقوق عامه است. موارد مذکور، بسیار متنوع و متعدد است؛ از جمله علت ترمز بردن کامیون‌های هوو. هم‌اکنون ترمینولوژی روشنی برای واژه حقوق عامه وجود ندارد. عبارتهای مختلفی که در قانون اساسی به کار رفته است، از جمله حقوق عمومی، حقوق عامه، حقوق فردی و اجتماعی، حقوق ملت و حقوق انسانی، دلالت روشنی ندارند. مفهوم حقوق عامه را باید در پرتو اصول حقوقی مربوط از جمله تفکیک قوا، تبیین کرد، در غیر این صورت، ممکن است به حقوق مردم یا سایر نهادها تعرض شود».

این پژوهشگر حوزه حقوق عامه اظهار داشت: «حداقل مصادیق حقوق عامه (۷۰ مصداق) احصا شده که در چارچوب نظم هنجاری موجود قابل استفاده است. به هنگام تدوین منشور حقوق شهروندی در دولت، یک نظر این بود که منشور از حالت توصیفی خارج شود و به سمت رژیم هنجاری حرکت کند. بر اساس نظر دیگر، می‌توان به این منشور، نگاه توصیفی و توسعه‌ای هم داشت. در خصوص حقوق عامه هم می‌توان به همین ترتیب اقدام کرد. در وضعیت فعلی می‌توان به قوانین نگاه اجتهادی داشت؛ برای مثال، با توجه به گسترش آزادی‌های مشروع مندرج در قانون اساسی، آزادی دسترسی به فضای مجازی را به‌عنوان یکی از مصادیق آزادی‌های مذکور شناسایی کرد. از حیث ساختاری، رژیم هنجاری فعلی تا حدود زیادی تکلیف دادستانی را روشن کرده است. در کشور ما به لحاظ سنتی، دادستان‌ها خود را موظف به صیانت از حقوق عمومی ندانسته‌اند. برخی از صاحب‌نظران، پیشنهاد تأسیس دادگاه قانون اساسی را داده‌اند».

مصادیق حقوق عامه

دکتر نقره‌کار با هدف تعیین مصادیق حقوق عامه، فهرست بلندی است که به نظر می‌رسد با توجه به محدودیت‌های دادستانی، امکان پرداختن به همه آن‌ها وجود نداشته باشد؛ از قرعه‌کشی بانک‌ها تا پسماندهای بیمارستانی.

ضوابط حاکم بر انجام وظیفه قوه قضائیه

در زمینه احیای حقوق عامه

دکتر آقایی طوق عضو هیئت علمی دانشگاه علوم قضایی با بیان این نکته که در قانون اصول تشکیلات عدلیه مصوب ۱۳۹۰ از تعابیری مثل شوارع عام استفاده شده است، گفت: «در آن دوره، دولت محدود و کوچکی و وزارتخانه‌های